دو فصلنامه علمی
پژوهشهای تطبیقی
در حقوق و علوم اجتماعی

Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences

The place of proof and Citation of the types of evidence of the case with emphasis on the concealment of the accused

Narjes Saryar[1]

1. Independent Researcher in Law and Management (PhD), Eyvanki Non-Profit Institute

narjes.saryar@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 24 September 2025
Accepted, Available online: 31 January 2026

Keywords:
The rights of the accused,
the evidence of the lawsuit,
the concealment of the accused,
the conflicting defenses.

ABSTRACT

Sometimes we see that despite the sufficient evidence and even the confession of some of the accused who may have confessed at different stages of a court case, but later deny it, we face some kind of change and suspicion in this regard. With a descriptive and analytical look and the use of the library documentation method, we are looking for a response to this situation of denial of the accused.in response, it can be said that denial seems to be part of the inherent and unwritten rights of the accused, but due to sufficient reasons, the observance of his rights in a real and substantive way, not in a formal way, justice must be done. In other literature, the denial of the accused under observation at any stage as one of the rights of the accused and an unwritten law should be in the eyes of the judicial authorities and officers, it will not be reprehensible for this issue, so the judicial authority is responsible for identifying and proving the concealment of the contrary, as the case may be, based on the reasons of other in the case.

Cite this article Saryar. Narjes (2026) The place of proof and Citation of the types of evidence of the case with emphasis on the concealment of the accused ,**Quarterly Journal of Comparative Research in Law and Social Sciences**, 1(1),229-244

. Publisher: Hamyar Jahed Publications.

CC BY NC

جایگاه اثباتی و استنادی انواع ادله اثبات دعوی با تاکید بر کتمان متهم

نرجس سریار [۱]

۱. پژوهشگر مستقل حقوقی و مدیریت دکتری تخصصی موسسه غیر انتفاعی ایوانکی

narjes.saryar@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱٤۰٤/۰۷/۲
تاریخ پذیرش و انتشار:
۱٤۰٤/۱۱/۱۱

کلیدواژه‌ها:
حقوق متهم،
ادله اثبات دعوی،
کتمان متهم،
دفاعیات متعارض

چکیده

برخی از مواقع شاهد هستیم علیرغم وجود ادله کافی و حتی اقرار برخی از متهمین که در مراحل مختلف یک پرونده قضایی شاید اقرار کرده باشند ولی بعداً انکار می‌کنند در این خصوص با نوعی دگرگونی و تشکیک روبرو هستیم. با نگاهی توصیفی و تحلیلی و بهره جستن از روش اسنادی کتابخانه‌ای در پی پافتن پاسخی برای این وضعیت انکار متهم هستیم در پاسخ می‌توان گفت به نظر می‌رسد انکار جزء حقوق ذاتی و نانوشته متهم است ولی با توجه به دلایل کافی رعایت حقوق وی به صورت شکلی و ماهوی واقعی نه صوری باید عدالت اجراء گردد. به ادبیات دیگر، انکار متهم تحت نظر در هر مرحله‌ای به عنوان یکی از شقوق حقوق متهم و یک قانون نانوشته باید در نظر مقامات قضایی و ضابطین باشد برای این مسئله قابل سرزنش نخواهد بود فلذا تشخیص و اثبات کتمان خلاف واقع حسب مورد بر اساس دلائل سایر امارات موجود در پرونده بر عهده مرجع قضایی است.

استناد دهی:سریار، نرجس(۱٤۰٤). جایگاه اثباتی و استنادی انواع ادله اثبات دعوی با تاکید بر کتمان متهم، **دو فصلنامه علمی پژوهشهای تطبیقی حقوق و علوم اجتماعی**, ۱(۱)۲۲۹-۲٤٤

ناشر: انتشارات همیار طنین جاهد با همکاری انجمن جرم شناسی

مقدمه

در هر دعوایی اعم از دعوای کیفری یا حقوقی، مدعی باید دلیلی بر ادعای خود داشته باشد تا بتواند آن را اثبان نماید. قانون در مسائل روزمره اشخاص، اصل را بر برائت اعمال گذاشته است و اگر شخصی مدعی شود که کسی مرتکب جرمی شده، باید بتواند ادعای خود را اثبات نماید و در غیر این صورت، اصل برائت جاری می‌گردد. البته مدعی باید ادعای خود را با ادله اثبات دعوا در امور کیفری ثابت نماید که این ادله، موارد مشخصی هستند. ادله اثبات دعوا در امور کیفری مجموعه‌ای از اسناد، مدارک و شواهد است که در مراجع قضایی با هدف اثبات دعوا مورد استناد قرار می‌گیرد و قاضی براساس ادله ارائه‌شده، حکم مقتضی را صادر می‌نماید. در اینجا به اقرار می‌رسیم براساس ماده ١٦٤ قانون مجازات اسلامی، اقرار عبارت است از اخبار شخص به ارتکاب جرم از جانب خود است. (ق.م.ا.م:١٣٩٢)

در واقع اخبار به معنی خبر دادن از موضوعی به نفع دیگری و به ضرر خود می‌باشد. شخصی که اقدام به اقرار بر علیه خود و نفع دیگری می‌نماید مُقِر، شخصی که اقرار به نفع او ادا شده است مُقِرله و حقی که به وجود آن اقرار می‌گردد، مُقربه نام دارد. اگر شخصی خبر از وقوع حقی در ارتباط با روابط سایر اشخاص با یکدیگر بدهد، در این شرایط عمل وی شهادت می‌باشد اما اگر شخصی اقدام به بیان خبری به ضرر خود و به نفع دیگران نماید، عمل وی اقرار محسوب می‌شود. اقرار را می‌توان مهم‌ترین ادله اثبات کیفری دانست، زیرا هیچ شخصی حاضر نیست بدون اینکه مرتکب عمل مجرمانه‌ای شده باشد، علیه خود اقرار نموده و مجازات شود. بر اساس ماده ٢٠٢ قانون آیین دادرسی مدنی «هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی‌حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست».

اقرار، تشریفات خاصی ندارد و با لفظ انجام می‌گیرد. البته ممکن است در شرایطی که شخص قادر به تکلم نمی‌باشد، اقرار با اشاره و کتابت نیز صحیح شمرده شود. البته اقرار برای اینکه توسط دادگاه پذیرفته شود، باید شرایطی داشته باشد. برای مثال اقرار باید صریح و قاطع و در ارتباط با وجود حقی باشد و علاوه بر این، شخصی که اقدام به اقرار نمودن می‌نماید نیز باید شرایط قانونی اقرار که عبارت است از عقل، بلوغ، قصد و اختیار را داشته باشد. برخی از مواقع شاهد هستیم علیرغم وجود ادله کافی و حتی اقرار برخی از متهمین که در مراحل مختلف یک پرونده قضایی شاید اقرار کرده باشند ولی بعداً انکار می‌کنند در این خصوص با نوعی دگرگونی و تشکیک روبرو هستیم. با نگاهی توصیفی و تحلیلی و بهره جستن از روش اسنادی کتابخانه‌ای در پی یافتن پاسخی برای این وضعیت انکار متهم هستیم در پاسخ می‌توان گفت به نظر می‌رسد انکار جزء حقوق ذاتی و نانوشته متهم است ولی با توجه به دلایل کافی رعایت حقوق وی به صورت شکلی و ماهوی واقعی نه صوری باید عدالت اجراء گردد.

۱): مبانی نظری

در دعوای حقوقی، یک طرف بار اثبات دارد تا ثابت کند که درست است، در حالی که طرف دیگر چنین باری ندارد و فرض بر این است که درست است. بار اثبات به یک طرف نیاز دارد تا شواهد را برای اثبات حقیقت حقایق مورد نیاز برای برآورده کردن تمام عناصر قانونی مورد نیاز اختلاف ارائه دهد. "بار اثبات" وظیفه یک طرف برای اثبات یک ادعا یا اتهام مورد مناقشه است و شامل بار تولید (ارائه شواهد کافی در مورد یک موضوع به طوری که سه گانه واقعیت آن را تصمیم می‌گیرد نه در یک حکم اجباری مانند یک حکم هدایت شده) و بار متقاعد کردن (معیار اثبات مانند برتری شواهد) است. بار متقاعد کردن نباید با بار اثبات، یا بار تولید، یا وظیفه تولید اشتباه گرفته شود که یک تعهد است که ممکن است در طول جلسه یا محاکمه بین طرفین تغییر کند. بار اثبات این است(.(Barron's Law Dictionary, p. 56 (2nd ed. 1984) .

در دادرسی مدنی و دادرسی‌های کیفری، بار اثبات بر عهده طرف است که ادعای واقعیت را مطرح می‌کند. در ادعاهای تجاری و ادعاهای مدنی چه ادعای تخلف، غفلت، قانون کار یا نقض ادعای قرارداد باشد استاندارد اثبات تعادل احتمالات است. در دادرسی کیفری، استاندارد اثبات "بیش از شک منطقی"است. بار اثبات یک استاندارد قانونی است که بر اساس شواهد ارائه شده تعیین می‌کند که آیا یک ادعا قانونی معتبر یا نامعتبر است. بار اثبات به طور معمول از یک طرف در یک ادعا مورد نیاز است و در بسیاری از موارد، طرفی که ادعا می‌کند طرفی است که بار اثبات را حمل می‌کند و باید نشان دهد که ادعا معتبر است.

استاندارد بار اثبات در یک پرونده جنایی بالاترین است زیرا پرونده‌های جنایی اغلب بر آزادی متهم تأثیر می‌گذارد. دادستان‌ها ملزم به ارائه شواهدی هستند که ثابت کند گناه متهم فراتر از شک و تردید منطقی استبار اثبات یک استاندارد قانونی است که طرفین را ملزم می‌کند تا شواهد را برای نشان دادن اعتبار یک ادعا ارائه دهند. سه سطح از بار اثبات، "فراتر از شک منطقی"، "برتری شواهد" و "واضح و قانع کننده" سطح شواهد مورد نیاز برای یک ادعا را تعیین می‌کند.

در نگاهی به حقوق داخلی می‌توان گفت: این ادله در دعاوی مدنی و کیفری مشترک هستند. شرایط و ویژگی‌های هر یک از این ادله در فقه مطرح شده است. امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی، ادله جدیدی برای اثبات دعاوی ظهور پیدا کرده که قویتر از شهادت شهود هستند. این ادله در عرف به "ادله قطعی" معروف هستند و احتمال خلاف آنها بسیار کم است. با توجه به اینکه اکثر فقها مبنای اعتبار ادله را عقل و عرف عقلا می‌دانند و همچنین با توجه به اینکه بینه فاقد خصوصیت ویژه‌ای است، می‌توان این ادله جدید را که شأن اثباتی دارند به سایر ادله تعمیم داد. در حقوق نیز اصل بر این است که هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند. همچنین اگر مدعی علیه در مقام دفاع مدعی امری شود که نیازمند دلیل است.

۲): پیشینه پژوهشی

-مقاله با موضوع: تفاوت‌های ماهوی و کاربردی اطلاع و شهادت به قلم توکلی که به سال ۱۴۰۳ در **رسائل بهار** به چاپ رسیده است در آن تصریح شده است: هر آنچه که شرایط دلیلیت را ندارد، نمی‌تواند با این توجیه که باعث افزایش اطلاع مقام قضایی می‌شود، به‌عنوان مستمسکی برای مقام قضایی مورد استفاده قرار گیرد؛ بلکه فقط اطلاعی برای قاضی قابلیت استناد دارد که به یکی از ادله اثبات دعوی برگردد تا حجیت خود را از ادله اثبات دعوی کسب کند و بتواند برای مقام قضایی وجهه قانونی پیدا کند. چنین ادله‌ای در اصطلاح حقوقی، «اطلاع» نام دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، مصادیق اطلاع، از جمله دلایل اعتقاد درونی هستند و معیار اعتبار و ارزش آنها این است که منجر به علم قاضی می‌شوند؛ برخلاف امارات و ادله قانونی که خود، موضوعیت دارند و حصول علم و اعتقاد قاضی تاثیری در اعتبار و ارزش آنها ندارد.

-مقاله با موضوع: چالش‌های هوش مصنوعی در حقوق، دعاوی و قضاوت به قلم کریم پور که به سال ۱۴۰۲ در **فصلنامه مطالعات حقوق** به چاپ رسیده است در آن تصریح شده است: رفتارهای نابهنجار و سرقت‌ها و کلاهبرداری‌های اینترنتی و غیراینترنتی را تسهیل نماید، برای کسی حریم خصوصی باقی نگذارد و یا حتی بطور فیزیکی آسیب‌های مختلف بر انسان و جامعه را بوجود بیاورد. ادله اثبات دعوی را دگرگون سازند و خیلی کارهای دیگر. بنابراین با توجه به تأثیر این نوع هوش در زندگی شهروندان در آینده نزدیک و یا حتی همین الان، در این تحقیق مضاف بر بازتعریف مفاهیم پایه این دستاورد علمی، چالش‌های پیش رو مانند نقض حریم خصوصی، تسهیل در جرائم، تأثیر بر ادله اثبات دعوی و رویه دادگاه‌ها، مسئولیت مدنی، جرم‌شناسی و.. را مورد واکاوی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق بیان می‌دارد که چالش‌های موجود جدی بوده و روز به روز نیز در این خصوص چالش‌های جدید بوجود می‌آید. به ناچار دولت‌ها و قوانین و بخصوص کشور ما ایران باید از هم اکنون به حل معضل توجه ویژه داشته باشند و اقدامات پیشگیرانه در این راستا را همگام با جامعه جهانی مد نظر داشته باشد.

-مقاله با موضوع: ادلّه الکترونیکی اثبات دعوا در دادرسی اداری و مدنی در ایران وفقه امامیه به قلم ابهری و دیگران که به سال ۱۴۰۲ در **پژوهش‌های نوین حقوق اداری** به چاپ رسیده است در آن تصریح شده است: امروزه با گسترش فناوری اطلاعات ادله الکترونیکی و اسناد مربوط به آنها به صورت روزافزونی در حال ذخیره سازی و تولیدهستند. استنادپذیری ادله اثبات دعوا الکترونیکی در قانون تجارت ایران و در دادرسی مدنی پذیرفته شده است. قانون گذار ایران با توجه به قانون نمونه تجارت الکترونیک آنسیترال و ماده ۴۷ آیین نامه استنادپذیری ادله الکترونیک مصوب ۱۳۹۳، داده پیام را فقط به ابزارهای الکترونیک منحصر نکرده است و هر ابزاری همچون پوشه‌های تصویری و صوتی، تلگرام و ابزارهای نوری را هم دلیل الکترونیک می‌داند..

-بالاخره چندین منبع دیگر که مستقیم و غیر مستقیم به موضوع مرتبط‌اند جهت رعایت اختصار صرفنظر شد.

۳): مفهوم ادله اثبات دعوی

اگر بخواهیم نگاهی مفهومی داشته باشیم ادله اثبات دعوی به مجموعه‌ای از ابزارها و مستندات اشاره دارد که طرفین دعوی برای اثبات ادعاهای خود در محاکم استفاده می‌کنند. این ادله در دو حوزه حقوقی و کیفری کاربرد دارند. فلذا اگر دسته بندی تفکیکی بخواهیم ارائه دهیم به شرح ذیل است:

۱-۳): ادله اثبات در امور حقوقی

- **اقرار**: بیان حقیقتی از سوی شخصی که به نفع طرف مقابل است.
- **شهادت**: اظهارات شاهدان در مورد وقوع یک واقعه.
- **سند**: مدارکی که به عنوان دلیل مستند به کار می‌روند، مانند قراردادها.
- **سوگند**: قسم خوردن به صحت ادعا.
- امارات قضایی: شواهدی که به قاضی کمک می‌کند تا به نتیجه‌گیری برسد، مانند نظر کارشناسان یا تحقیقات محلی و... .

۲-۳): ادله اثبات در امور کیفری

- اقرار: مشابه با حقوقی، اما در اینجا به معنای اعتراف به جرم است.
- شهادت: اظهارات شاهدان در مورد جرم.
- علم قاضی: قاضی می‌تواند بر اساس دانش و تجربه خود تصمیم‌گیری کند.
- قسامه: قسم خاصی که در دعاوی قتل به کار می‌رود و... .

در هر دو نوع دعوی، اصل بر صحت ادعاهاست و بار اثبات بر عهده مدعی است. اگر مدعی نتواند ادعای خود را ثابت کند، ممکن است با چالش‌هایی مواجه شود. به همین دلیل، انتخاب و ارائه ادله مناسب در دادرسی بسیار حیاتی است. قانونگذار در ماده (۳) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ قضات دادگاه‌ها را موظف ساخته موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده "حکم مقتضی" صادر و یا "فصل خصومت" نمایند. چونکه رسیدگی به دعوی" جهت "صدور حکم مقتضی و یا فصل خصومت" مفهِم آن است که حکم مقتضی و فصل خصومت بالضروره و بلاتفکیک نتیجه رسیدگی ماهیتی است. ضابطه تمیز حکم مقتضی از فصل خصومت دلیل استنادی حکم است. اگر مستند رأی، دلیل اثبات دعوی باشد حکم، حکم مقتضی است؛ و در خارج ازمصبّ ادله فوق و مآلاً استناد به قواعدی نظیر قاعده قرعه، حکم صادره فصل خصومت (در معنای خاص کلمه) خواهدبود. علت تقدّم کلامی صدور حکم مقتضی بر فصل خصومت در متن ماده آن است که با وجود ادله اثبات دعوی و مآلاً امکان صدور حکم مقتضی نوبهٔ به فصل خصومت نمی‌رسد و علت ترتّب مقامی دلیل اثبات دعوی بر ضوابط فصل خصومت کاشفیت آن است. (موفقی، ۱۳۹۸، ص ۲۳۱)

۴): حق دفاع و مضافاً دفاعیات بلاوجه متهم

حقوق دفاعیه متهم یکی از مباحث مهم در دادرسی‌های کیفری است و در واقع به کلیه کارهای قانونی به منظور جلوگیری از اثبات مجرمیت او در فرآیند تحقیقات مقدماتی و دادرسی تلقی می‌شود. این حقوق هم در میثاق‌های بین‌المللی و هم در قانون اساسی کشور و هم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و قوانین مرتبط به قبل از آن لحاظ شده است. در کلیه مراحل دادرسی ضابطین قوه قضاییه و محاکم مکلفند این حقوق را مدنظر قرار داده و رعایت کنند. طبعاً اگر در مراحل تحقیقات مقدماتی و رسیدگی‌های بعدی یک پرونده کیفری قواعد و مقررات و ضوابطی که در قانون آیین دادرسی کیفری عنوان شده رعایت شود، می‌توان انتظار داشت که در ماهیت و در مرحله نهایی حکم صادره منطبق با اصول قوانین و انصاف قضایی بوده و عادلانه باشد. از جمله حقوق دفاعیات متهم که در قانون بدان‌ها تصریح شده می‌توان به حق سکوت متهم، پذیرش حق تماس متهم با خانواده و بستگان او، حق داشتن وکیل و تفهیم این حق متهم از همان ابتدای تحت نظر قرار گرفتن وی اشاره کرد. (نک به: خرمشاهی، ۱٤۰۰، ص ۱۰)

از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم که در اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی اکثر کشورها، ازجمله ایران و جمهوری خلق چین به صورت تصریحی یا تلویحی مورد تضمین قرار گرفته است، حق سکوت متهم در برابر پرسش‌گری یک مقام قانونی و حق منع اجبار به خود مجرم‌انگاری و ممنوعیت ارائه ادله بی‌گناهی خود، از مصادیق یک دادرسی منصفانه می‌باشد. طبق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری ایران حق سکوت به صراحت مورد پذیرش قرار گرفته اما در مورد حق منع خود مجرم‌انگاری مقرره قانونی وجود نداشته و این موضوع مورد اختلاف حقوق‌دانان داخلی می‌باشد. در مقابل طبق ماده ٥٤ قانون آیین دادرسی کیفری چین منع اجبار به خود مجرم‌انگاری به صراحت تضمین شده است، اما در مورد وجود حق سکوت در این قانون بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. اما نظر به توجه حقوق‌دانان ایران در رابطه با حدود و ثغور اعمال حق سکوت دغدغه‌هایی مطرح می‌باشد؛ و مصادیق عدم تکلیف مأمورین امر تحقیق، تعقیب و مقام قضایی نسبت به اعلام حق سکوت به متهم، عدم به رسمیت شناختن قاعده رد ادله و عدم الزام ضبط صوتی و تصویری در مراحل بازجویی و همچنین پیش‌بینی تدارک و آماده‌سازی سازکارهای آن مورد کم‌توجهی مقنن قرار گرفته است. (کوشا و دیگران، ۱٤۰۱، ص ٦۱)

پس برای دست یازی بدین حق قانونی متهم حق دارد هرگونه دفاعی از خود داشته باشد ولی برخی از مواقع شاهد هستیم که در محاکم قضایی متهمین در مظان اتهام یکسری دفاعیات از خود مطرح می‌کنند که در هیچ گونه دلیل و مدرکی برای اثبات آن وجود ندارد یا به ادبیات دیگری در آن مقطع در دادگاه و محاکم حسب مورد قابل اثبات در آن زمان مکان نیست، روی دیگر سکه این است که در برخی موارد این دفاعیات با دلایل و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده در تعارض و تباین کامل است.

حتی دیده شده برخلاف برخی اصول عقلی و منطقی نیز متهمین از خود دفاع می‌کنند با توجه به اینکه علی الاصول هرگونه دفاعیاتی که متهم دارد باید دارای وجاهت قانونی، منطقی، عقلی و در عین حال قابل اثبات و استناد باشد اگر این دفاعیات چنین ویژگیهایی را نداشت در رویه قضایی به دفاعیات بلاوجه تشبیه و مصطلح گردیده است. به ادبیات دیگر دفاع غیر منطقی افراد متهم به معنای استفاده از استدلال‌ها یا توجیهات غیرقابل قبول و غیرمنطقی برای توجیه رفتار یا عمل ارتکابی است. در نظام‌های حقوقی، متهمان ممکن است از این نوع دفاع‌ها به عنوان راهی برای فرار از مجازات یا کاهش شدت اتهامات خود استفاده کنند. مثلاً برخی متهمان ممکن است ادعا کنند که عمل ارتکابی در راستای دفاع از خود بوده، حتی اگر شواهد نشان دهد که این ادعا غیرمنطقی است. برای مثال، اگر فردی به طور غیرضروری و بیش از حد به یک مهاجم آسیب برساند و سپس ادعا کند که این عمل دفاع از خود بوده، این نوع دفاع می‌تواند غیر منطقی تلقی شود. متهمان ممکن است ادعا کنند که تحت فشار یا تهدید بوده‌اند و به همین دلیل اقدام به عمل مجرمانه کرده‌اند. این نوع دفاع، اگر به درستی مستند نشود، می‌تواند غیر منطقی به نظر برسد. دفاع غیر منطقی به اصطلاح رویه‌ای (بلاوجه) می‌تواند به عنوان یک استراتژی در دادرسی‌های کیفری مورد استفاده قرار گیرد، اما معمولاً با مشکلات و چالش‌های زیادی مواجه است. در نهایت، قاضی و سیستم قضایی باید با دقت و بر اساس شواهد و ادله موجود، تصمیم‌گیری کنند. (نگارنده)

۵): ارزش شهادت شهود در مقابل دفاعیات غیر متعارض

شهادت شهود یکی از رایج‌ترین روش‌های اثبات دعوا در مراجع قضایی است. شهادت به معنای گواهی دادن در دادگاه به نفع کسی، و به زیان دیگری می‌باشد. شهادت شهود می‌تواند تأثیر زیادی در تصمیم گیری و صدور رأی، از طرف قاضی داشته باشد. برای اینکه شهادت شاهد در دادگاه معتبر شمرده شود، شهادت شهود از ادله‌ای است که با جمع بودن شرایط شرعی و قانونی آن، سبب اثبات موضوع دعوا می‌شود و بر قاضی تحمیل می‌گردد و اعتبار آن مشروط به حصول علم و قناعت وجدان قاضی نیست. با وجود این، منوط بودن آن به عدم علم قاضی به خلاف واقع بودن آن، محل بحث است و تحقیق در این زمینه نشان می‌دهد؛ در فقه، علم قاضی به خلاف واقع بودن شهادت شهود، سبب بی اعتباری آن و لزوم اجتناب از صدور رأی بر اساس آن می‌شود. قانون مدنی ما نیز این مطلب را پذیرفته و در ماده ۱۳۱۹ بیان کرده است. در عین حال، در خصوص اثر حصول علم قاضی به خلاف واقع بودن شهادت شهود پس از صدور رأی، وضعیت در فقه و حقوق یکسان نیست و با وجود تاکید بر لزوم نقض رأی در چنین حالتی در فقه، نقض رأی در این حالت در حقوق، مقید به شرایط، مهلت‌ها و احکام مربوط به شکایت از آراء است. (حسن زاده، ۱۳۹۹، ص ۱)

شاهد باید دارای برخی شرایط باشد:

- شاهد باید به سن بلوغ شرعی رسیده باشد (سن بلوغ برای پسران ۱۵ سال قمری و برای دختران ۹ سال قمری است)؛
- شاهد باید عاقل بوده و قوه تمیز داشته باشد؛
- شاهد باید مسلمان باشد؛
- شاهد باید عادل باشد و از گناهان کبیره و ظلم و ستم دوری کرده و به واجبات شرعی عمل کند؛
- شاهد باید در هنگام شهادت طاهر بوده و جنب یا حائض نباشد؛
- شاهد باید در زمان شهادت زنده باشد؛

شهادت شهود فامیل نیز مانند شهادت سایر شهود تابع شرایط عمومی و اختصاصی است. با این حال، در برخی موارد، شهادت شهود فامیل ممکن است با تردید و شبهه همراه باشد. به عنوان مثال، ممکن است شاهد فامیلی، به دلیل رابطه خویشاوندی با یکی از طرفین دعوی، تحت تأثیر قرار گرفته و شهادت نادرستی دهد. اگر شاهد با علم و قصد و نیت کامل، اقدام به شهادت دروغ نموده و حقیقت را کتمان نماید، به عنوان مجرم شناخته شده و مجازات قانونی در خصوص او اعمال می‌شود.

طبق قانون مجازات اسلامی، هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد، طبق شهادت دروغی که داده‌اند به حبس سه ماه و یک روز یا دو سال و یا پرداخت جزای نقدی محکوم خواهند شد. در تمامی ادوار و هم‌چنین در همه سیستم‌های حقوقی شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی همواره مورد استفاده طرفین دعوی اثبات ادعاهای آنان بوده است لیکن حدود استفاده و درجه اعتبار آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. اهمیت دلیل مذکور در دوران گذشته به دلیل صداقت انسان‌های آن ادوار از یک سو و فقدان دستاوردهای عملی و تکنیکی از سویی دیگر بسیار بیشتر از دوران فعلی بوده است.

(نک به: توکلی،۱۳۸۵) ممکن است حیثیت معنوی اشخاص، در مقام «تحمل شهادت»، «ادای شهادت» و «جرح شهود» در جایی که مفاد شهادت یا جرح به حیثیت معنوی «مشهود علیه» یا «شاهد» یا «مشهود له» مربوط باشد، در معرض نقض قرار گیرد:

- از یک سو، حیثیت معنوی اشخاص محترم است و انتظار می‌رود از تعرض مصون و نقض آن ضمان آور باشد. از سوی دیگر، اجرای پاره‌ای احکام دست کم در برخی مواقع، با نقض حیثیت معنوی اشخاص دیگر همراه است و عدم امکان ورود در قلمرو مجرمانه اشخاص، در عمل به تعطیلی یا نقصان کلی اجرای احکام مهم منجر می‌شود.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان این دسته از احکام به ظاهر متعارض را با هم جمع کرد؟ به نظر می‌رسد به دلیل تقدم مصلحتی که در «ادای شهادت» و «جرح شاهد» وجود دارد.

ادای شهادت یا جرح شاهد، حتی در جایی که به نقض حیثیت معنوی مشهود علیه یا شهود و گاه مشهود له منجر می‌شود، در رعایت مصلحت اهم و در قدر متیقن، جایز و درنتیجه از علل موجهه مسیولیت است و هیچ جبرانی به دنبال ندارد. (هوشمند فیروزآبادی و دیگران،۱۳۹۹، ص ٦٧)

۶): انکارمجرم پس از اقرار

انکار به معنای حاشا کردن و اظهار ناآشنایی است. اقرار در اصطلاح عبارت از اخبار به حقی است، برای غیر به ضرر خود. (ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی) انکار بعد از اقرار یعنی کسی اقراری بکند، سپس از اقرارش بازگردد و آن را رد کند. با توجه به حاکم بودن "نظام ادله قانونی" در حدود و "موضوعیت داشتن" اقرار در حدود، آیا انکار اقرار بعد از ادای آن، در داخل یا خارج از دادگاه مسموع است؟ آیا می‌توان برای انکار اقرار بعد از ادای آن این اهمیت را قائل شد که موجب سقوط حد گردد؟ در فرض امکان موارد آن در قانون و فقه کدام است. (جعفری‌لنگرودی، ١٣٨٦، ص ٦٩٤)

آنچه که از برداشت‌های قانونی به دست می‌آید قانونگذار، انکار پس از اقرار در جرائم تعزیری را قابل استماع ندانسته است. اما در عین حال، مواردی را پیش بینی نموده که با حصول آنها اقرار بی اثر می‌شود، مانند اثبات فساد اقرار یا ابتناء آن بر اشتباه است. امام خمینی در تحریرالوسیله می‌نویسد: لو اقرّ مرّتین ثمّ انکر فهل یقطع او لا؟ الاحوط الثانی، والارجح الاوّل، ولو انکر بعد الاقرار مرّة یؤخذ منه المال ولا یقطع. یعنی: اگر دو مرتبه اقرار (به سرقت) کند سپس انکار نماید، آیا قطع (حد سرقت) می‌شود یا نه؟ احوط (استحبابی) دومی (سقوط حد) است ولی ارجح اولی (قطع) می‌باشد. و اگر بعد از یک مرتبه اقرار، انکار نماید مال از او گرفته می‌شود ولی قطع نمی‌شود. (الموسوی خمینی، جلد ۲۳، ص ۵۲۲) لازم به ذکر است که در قانون مجازات اسلامی سابق، انکار بعد از اقرار در مورد سرقت حدی ذکر نشده و قانون‌گذار ساکت است و با سکوت قانون می‌توان گفت که در این مورد انکار بعد از اقرار مسموع نمی‌باشد. (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۰)

برخی فقها، انکار بعد از اقرار به جرم موجب حد رجم را مورد پذیرش قرار داده‌اند. آنان استدلال می‌کنند که چنین انکاری، شبیه رجوع فعلی یا معنوی از اقرار است و از نظر شبه اثبات، آن را مسقط کیفر دانسته‌اند. با توجه به جایگاه اقرار در بین ادله اثبات دعاوی کیفری و ارزش اثباتی بالای آن، اصل بر عدم پذیرش هر گونه ادعایی برخلاف اقرار است. اما در موارد استثنایی و بنا به مجوز قانونگذار، امکان عدول و رجوع از اقرار وجود دارد. همانطوریکه گذشت ر خلاف امور مدنی در امور کیفری اقرار قابل انکار است و اگر متهمی در دادگاه اولیه اقرار به امری کند، می‌تواند در مراحل بعدی از آن رجوع کند. دادگاه می‌تواند در صورتی که انکار بعدی مطابق با قراین و اوضاع و احوال باشد آن را بپذیرد. در جرائم حدی قانون‌گذار با توجه به اصل اولی پذیرش انکار بعد از اقرار در امور کیفری، قائل به پذیرش انکار شده و بر آن اثر حقوقی بار کرده است.

همچنین در فقه هم فقها قائل به پذیرش انکار بعد از اقرار شده‌اند. به این نکته توجه باید داشت که مراد از اقراری که با انکار بعد از آن حد ساقط می‌شود اقراری است که شرایط مقرر برای اثبات حد به‌موجب آن را داشته باشد یعنی با قطع‌نظر از انکار بعدی، اقرار به‌گونه‌ای باشد که با آن بتوان حکم به حد نمود. (شامبیاتی،۱۳۸۵، ص ٤٩٦)

۷): اقرار بر اثر فشار و شکنجه

اقرار به معنای بیان حقیقت یا اعتراف به انجام عمل خاصی است، اما وقتی این اقرار تحت فشار یا شکنجه حاصل شود، اعتبار آن به شدت زیر سؤال می‌رود. در لغت، اکراه به معنای وادار کردن فرد به انجام کاری است که مورد میل او نیست، و این می‌تواند شامل فشارهای مادی یا معنوی باشد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله حقوق ایران، هرگونه شکنجه برای اخذ اقرار ممنوع است. اصل ۳۸ قانون اساسی ایران به وضوح بیان می‌کند که "هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است" و این اقرار در صورت ناشی بودن از شکنجه، فاقد اثر حقوقی است. در فقه اسلامی، به ویژه در فقه شیعه، اقرار تحت شکنجه به طور کلی باطل است و حتی اگر فردی در شرایط اضطرار اقرار کند، این اقرار نیز تحت شرایط خاصی ممکن است معتبر باشد. در فقه اهل سنت، موضوع اقرار تحت شکنجه با اختلاف نظرهایی مواجه است.

برخی از فقها بر این باورند که در شرایط خاص، قاضی می‌تواند از روش‌های فشار برای اخذ اقرار استفاده کند، در حالی که دیگران این عمل را به شدت محکوم می‌کنند. در فقه برخی فرق اسلامی، موضوع اقرار تحت شکنجه با اختلاف نظرهایی مواجه است. برخی از فقها بر این باورند که در شرایط خاص، قاضی می‌تواند از روش‌های فشار برای اخذ اقرار استفاده کند، در حالی که دیگران این عمل را به شدت محکوم می‌کنند. حتی در خصوص متهمان و افرادی که در مظن اقدامات تروریستی هستند اما نقض حقوق شهروندی متهمان جرائم تروریستی و دادرسی افتراقی مبتنی بر نقض اصول، منجر به تضمین امنیت نمی‌گردد. همچنانکه حوادث تروریستی در دنیای امروز رو به گسترش است. لذا راهکار، خلاف رویکرد امنیت‌گراهاست. بررسی اصول حقوق کیفری و قوانین اساسی کشورها و کنوانسیون‌های متعدد حقوق بشری بین‌المللی، نشان از لزوم رعایت حقوق شهروندی تمام متهمان دارد. (رضوی فر، ۱۳۹۹، ۱۵۷)

نوعاً اقرار ناشی از شکنجه نه تنها در بسیاری از نظام‌های حقوقی غیرقانونی است، بلکه از نظر اخلاقی و انسانی نیز به شدت مورد انتقاد قرار می‌گیرد. این نوع اقرار به دلیل فقدان آزادی اراده و اختیار فرد، نمی‌تواند به عنوان یک دلیل معتبر در محاکم قضایی پذیرفته شود. شکنجه یکی از شدیدترین جرائم، در حقوق داخلی ایران و اسناد بین المللی به شمار می‌رود. این سؤال مطرح است که، ماهیت اقرار مبتنی بر شکنجه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی چگونه است در پاسخ بیان شده است که، براساس اصول، قواعد و اسناد بین المللی، منطقه‌ای و داخلی اقرار ناشی از شکنجه باطل بوده و قابلیت طرح در محاکم را ندارد.

قرار دادن شکنجه در سیاهه قانونی جرائم و وضع مجازات برای مرتکب آن مسئولیت حتمی دولت است. امروزه براساس قوانین اساسی بیشتر کشورهای دنیا، ارتکاب شکنجه، به خصوص برای اخذ اقرار، اعتراف یا اطلاع ممنوع است. قانون اساسی ایران نیز همسو با قوانین دیگر کشورهای جهان و معاهدات بینالمللی و البته نظر مشهور فقهای شیعه، موضع مشابهی را اتخاذ کرده است. (جعفری، ۱۳۹۷، ص ۱)

۸): ادله الکترونیکی اثباتی

ادله الکترونیکی نوع جدیدی از ادله اثبات دعوی هستند که با پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات به وجود آمدهاند. این ادله شامل هرگونه اطلاعات (صوتی، تصویری، متنی) موجود در ابزارهای الکترونیکی مانند موبایل، رایانه و دوربین دیجیتال است که اصحاب دعوی برای اثبات ادعاهای خود به آنها استناد میکنند. قانون تجارت الکترونیکی به صورت مستقیم به اعتبار ادله الکترونیکی اشاره کرده است. با این حال، قضات در دادگاهها رویکرد سختگیرانهای نسبت به این ادله دارند و آنها را تنها به عنوان یک قرینه در کنار سایر ادله مورد توجه قرار میدهند. بار اثبات صحت ادله الکترونیکی بر عهده کسی است که به آنها استناد میکند. اصل بر صحت ادله است، اما استناد کننده باید صحت ادله الکترونیکی را ثابت نماید، زیرا قضات معمولاً با رویکرد محتاطانهای به این ادله نگاه میکنند. استناد به قوانین و مقررات مربوط به ادله الکترونیکی، مانند قانون تجارت الکترونیکی و مقررات مربوط به ادله الکترونیکی، میتواند به تقویت اعتبار این ادله کمک کند. این قوانین به طور خاص به شرایط و ضوابط پذیرش ادله الکترونیکی اشاره دارند.

در عصر حاضر، ظهور ابزارهای جدید اطلاعاتی و ارتباطی، روشهایی جدید را برای برقراری ارتباط و تولید و ذخیره اطلاعات به وجود آورده است، استفاده از این روشها در روابط تجاری و روزمره مردم، موجب ایجاد نوعی جدید از دلیل با ماهیتی متفاوت به نام دلیل الکترونیک شده است. با وجود آنکه ماهیت دلیل الکترونیک متفاوت از دلیل سنتی است، میتوان با به کارگیری روشهای فنی، عناصری را که قانون برای اعتبار دلیل لازم میداند، در دلایل الکترونیک تأمین کرد. به همین جهت، قانون تجارت الکترونیک، ضمن برابر شمردن داده پیام و امضای الکترونیکی با نوشته و امضای سنتی، دلایل الکترونیک را به عنوان نوعی جدید از دلیل معتبر تلقی کرده و واجد ارزش اثباتی میداند. (شهبازی نیا و دیگران، ۱۳۸۹) بار اثبات بر عهده کسی است که به ادله الکترونیکی استناد میکند. این شخص باید نشان دهد که ادله ارائه شده معتبر و قابل قبول هستند. در صورتی که طرف مقابل به اصالت سند اعتراض کند، بار اثبات بر دوش استناد کننده خواهد بود. باید توجه داشته باشیم ادله باید به گونهای باشند که تغییرات بعدی آنها قابل ردیابی باشد. این ویژگی به ویژه در مورد اسناد الکترونیکی و امضاهای الکترونیکی اهمیت دارد. امروزه با گسترش فناوری اطلاعات ادله الکترونیکی و اسناد مربوط به آنها به صورت روزافزونی در حال ذخیره سازی و تولیدهستند.

استنادپذیری ادله اثبات دعوا الکترونیکی در قانون تجارت ایران و در دادرسی مدنی پذیرفته شده است. قانون گذار ایران با توجه به قانون نمونه تجارت الکترونیک آنسیترال و ماده ٤٧ آیین نامه استنادپذیری ادله الکترونیک مصوب ۱۳۹۳، داده پیام را فقط به ابزارهای الکترونیک منحصر نکرده است و هر ابزاری همچون پوشه‌های تصویری و صوتی، تلگرام و ابزارهای نوری را هم دلیل الکترونیک می‌داند اما این مسئله از منظر فقها و دانشمندان اسلامی در صورتی قابل پذیرش، دارای اعتبار و حجت است که سند و نوشته دارای امضا یا مهر باشد و به طریقی مطمئن مصون از تغییرات بماند و صادر کننده آن بر پذیرش مندرجات مسلم باشد و همچنین موجب علم قاضی گردد. از سوی دیگر در دادرسی اداری نیز امکان اعمال ادله الکترونیک قابل بحث و بررسی است. (احمدی لاشکی و دیگر همکاران، ١٤٠٢، ص ١٧٩)

امروزه یکی از پرکاربردترین ادله در دعاوی، دلایل الکترونیکی می‌باشند. با توجه به جدید بودن این شکل از ادله، این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که این نوع از دلایل، دلیل جدید محسوب می‌شوند یا قالب و صورتی برای ادله اثبات موجود (در ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی) می‌باشند. در صورت انتخاب فرض دوم، این سؤال مطرح می‌شود که این نوع خاص از داده پیام الکترونیکی که در دعوی مورد استفاده قرار گرفته، صورت و قالب چه نوع دلیلی (اعم از سند، أماره و..) هستند؟. با تحقیق و تدقیق در متون قانونی و بررسی انواع داده پیام‌ها می‌توان بیان نمود که ادله الکترونیکی، اصولاً به عنوان قالب و شکل ادله اثبات موجود می‌باشند که می‌توانند سند یا أماره محسوب شوند مگر داده پیامهای مطمئنِ غیر نوشتاری (از قبیل صوت ضبط شده در جعبه سیاه هواپیما) که در قالب ادله اثبات موجود نمی‌گنجند. یعنی دلیل جدید با بار اثباتی مخصوص به خود، در عین حال که «سند» محسوب نمی‌شود، به دلیل سابقه الکترونیکی مطمئن، قابل انکار و تردید نیز در نوع خود نمی‌باشد. (میرشکاری و دیگران، ١٤٠٠، ص ٣٠٩)

نتیجه گیری

اگر بخواهیم دیدی عقلایی و منطقی به ادله اثبات دعوی داشته باشیم هردو منطق و عقل حکم می‌کنند در هر دعوایی اعم از دعوای کیفری یا حقوقی، مدعی باید دلیلی بر ادعای خود داشته باشد تا بتواند آن را اثبان نماید. قانون در مسائل روزمره اشخاص، اصل را بر برائت اعمال گذاشته است و اگر شخصی مدعی شود که کسی مرتکب جرمی شده، باید بتواند ادعای خود را اثبات نماید و در غیر این صورت، اصل برائت جاری می‌گردد. البته مدعی باید ادعای خود را با ادله اثبات دعوا در امور کیفری ثابت نماید که این ادله، موارد مشخصی هستند. ادله اثبات دعوا در امور کیفری مجموعه‌ای از اسناد، مدارک و شواهد است که در مراجع قضایی با هدف اثبات دعوا مورد استناد قرار می‌گیرد و قاضی براساس ادله ارائه‌شده، حکم مقتضی را صادر می‌نماید. مثلاً در دعوای حقوقی، یک طرف بار اثبات دارد تا ثابت کند که درست است، در حالی که طرف دیگر چنین باری ندارد و فرض بر این است که درست است.

بار اثبات به یک طرف نیاز دارد تا شواهد را برای اثبات حقیقت حقایق مورد نیاز برای برآورده کردن تمام عناصر قانونی مورد نیاز اختلاف ارائه دهد. "بار اثبات" وظیفه یک طرف برای اثبات یک ادعا یا اتهام مورد مناقشه است. اگر بخواهیم نگاهی مفهومی داشته باشیم ادله اثبات دعوی به مجموعه‌ای از ابزارها و مستندات اشاره دارد که طرفین دعوی برای اثبات ادعاهای خود در محاکم استفاده می‌کنند. در برخی از موارد شاهد هستیم علیرغم وجود ادله اثباتی و کافی متهمین تحت نظر و تحقیقات آنرا انکار می‌کنند اینجاست که به مفهوم دفاعیات بلاوجه در حوزه دعاوی قضایی می‌رسیم باید این نکته را در ذهن داشته باشیم که انکار حق طبیعی ذاتی و نانوشته هر متهم و مجرمی است باز اثباتی بر روی مدعی یا حسب مورد در دعاوی کیفری وفق قانون بر عهده دادستان و نهاد تعقیب است. مثلاً اگر سند الکترونیکی یا دیجیتالی بر علیه متهم باشد بار اثبات بر عهده کسی است که به ادله الکترونیکی استناد می‌کند.

این شخص باید نشان دهد که ادله ارائه شده معتبر و قابل قبول هستند. در صورتی که طرف مقابل به اصالت سند اعتراض کند، بار اثبات بر دوش استناد کننده خواهد بود. باید توجه داشته باشیم ادله باید به گونه‌ای باشند که تغییرات بعدی آنها قابل ردیابی باشد. این ویژگی به ویژه در مورد اسناد الکترونیکی و امضاهای الکترونیکی اهمیت دارد، اگر چنین ویژگی داشت قابل استناد در محاکم به اصطلاح عمومی دلیل محمکه پسند می‌شود. حتی در برخی از مواقع دیده شده است که فرد مجرم خودش اقرار کرده است ولی بعداً آنرا منکر شده است انکار به معنای حاشا کردن و اظهار ناآشنایی است. اقرار در اصطلاح عبارت از اخبار به حقی است، برای غیر به ضرر خود. (ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی)

انکار بعد از اقرار یعنی کسی اقراری بکند، سپس از اقرارش بازگردد و آن را رد کند. سوالاتی اینجا پیش می‌آید که نیازی به تقریرات بیشر در حوزه دکترین‌های موجود و ارائه تفاسیر مربوطه دارد علی ایحال با توجه به حاکم بودن "نظام ادله قانونی" در حدود و "موضوعیت داشتن" اقرار در حدود، آیا انکار اقرار بعد از ادای آن، در داخل یا خارج از دادگاه مسموع است؟ آیا می‌توان برای انکار اقرار بعد از ادای آن این اهمیت را قائل شد که موجب سقوط حد گردد؟ در فرض امکان موارد آن در قانون و فقه کدام است. مثلاً برخی فقها، انکار بعد از اقرار به جرم موجب حد رجم را مورد پذیرش قرار داده‌اند. آنان استدلال می‌کنند که چنین انکاری، شبیه رجوع فعلی یا معنوی از اقرار است و از نظر شبه اثبات، آن را مسقط کیفر دانسته‌اند. با توجه به جایگاه اقرار در بین ادله اثبات دعاوی کیفری و ارزش اثباتی بالای آن، اصل بر عدم پذیرش هر گونه ادعایی برخلاف اقرار است. پس می‌توان چنین برداشت نمود انکار متهم تحت نظر در هر مرحله‌ای به عنوان یکی از شقوق حقوق متهم و یک قانون نانوشته باید در نظر مقامات قضایی و ضابطین باشد برای این مسئله قابل سرزنش نخواهد بود فلذا تشخیص و اثبات کتمان بر اساس دلائل سایر امارات موجود بر عهده مرجع قضایی است.

فهرست منابع و مآخذ

- احمدی لاشکی، حمیدرضا، ابهری، حمید، مقدری امیری، عباس. (۱٤۰۲). ادله الکترونیکی اثبات دعوا در دادرسی اداری و مدنی در ایران وفقه امامیه. **پژوهش‌های نوین حقوق اداری**، ۵(۱٦).
- توکلی، سعید (۱۳۸۵)؛ ارزش شهادت و حدود اعتبار آن در نظام حقوقی ایران؛ مجله دادرسی، شماره پنجاه و ششم، دسترسی(https://ensani.ir/fa/article/130444)
- جعفری، رضا، (۱۳۹۷)، اقرار مبتنی بر شکنجه در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی، چاپ شده در مجموعه مقالات منتشر یافته در دومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق، کازرون،https://civilica.com/doc/900935
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸٦)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ سوم، جلد اول، واژه شماره ۲٦۲۳ واژه شماره ۲٦۲٤.
- خرمشاهی، عبدالصمد (۱٤۰۰)؛ حق دفاع متهم؛ مقاله تحلیلی روزنامه اعتماد، مورخ ۲۱ آذرماه ۱٤۰۰، شماره ۵۰۹٦، مقاله تحلیلی و تفسیری قابل دسترس به صورت آنلاین در پرتال به آدرس ذیل : (https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/177958)
- شهبازی نیا، مرتضی، و عبدالهی، محبوبه. (۱۳۸۹). دلیل الکترونیک در نظام ادله اثبات دعوا. **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی** (حقوق)، ٤۰(٤).
- کهندانی، محسن، رضوی فرد، بهزاد. (۱۳۹۹). تضمین‌های حقوق شهروندی متهمان جرائم تروریستی در مرحله تحقیقات؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، انگلستان و مصر. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۳(۷).
- موسوعۀ الامام الخمینی (بی تا) **تحریرالوسیلۀ**، جلد بیست و سوم ذیل کتاب الحدود، الفصل الخامس: فی حد السرقۀ، القول فیما یثبت به، مسالۀ ٤.
- موفقی، مژگان. (۱۳۹۸). اثبات و یأس از اثبات. **فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی**، ۲(۳).
- میرشکاری، عباس، علائی، صابر. (۱٤۰۰). ماهیت اثباتی داده پیام‌های الکترونیکی به عنوان ادله اثبات دعوا. **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، ۲٤(۹٦).
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۵)، **جرائم علیه اموال و مالکیت**، تهران، انتشارات میزان، چاپ چهاردهم.
- حسن زاده، مهدی. (۱۳۹۹). علم قاضی به خلاف واقع بودن شهادت شهود. **فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی**، ۲۱(۱ (پیاپی ۵۱).

- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۵)، **حقوق کیفری اختصاصی**، تهران، انتشارات ژوبین، چاپ پنجم، ج (۳).
- فلاح نژاد، فاطمه، کوشا، جعفر، گلدوست جویباری، رجب. (۱٤۰۲). حقوق دفاعی متهم: حق سکوت و منع اجبار به خود مجرم‌انگاری؛ در سیستم عدالت کیفری ایران و جمهوری خلق چین. **پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی**، ۱۱(۲۱).